

## رقابت قدرتهای بزرگ اروپایی و انعقاد قرارداد ۱۹۰۷

۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۰ ساعت ۱۶:۴۴

فارغ از تحلیلهای مرسوم در خصوص عوامل دخیل در انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ میلادی، بدون تردید قرارداد تقسیم ایران بین روس و انگلیس، بازتابی از فضای رقابتی و امنیتی در محیط ژئوپلیتیکی اروپا بوده است. در واقع سیاست سد نفوذ و مهار آلمان توسط انگلیسیها، سبب همگرایی تاکتیکی بین دو کشور روس و انگلیس گردید. در نتیجه این قرارداد، باردیگر تاریخ تکرار شد و ایران وجه المصلحه قدرتهای بزرگ گردید و در گردابی از ابهامات و پیچیدگیهای بازی بزرگان گرفتار شد.

در خصوص عوامل و متغیرهای دخیل در انعقاد [قرارداد ۱۹۰۷](#) بین انگلستان و روسیه و تقسیم ایران به حوزه های نفوذ دو کشور، بحثهای متعددی صورت گرفته است. عده ای از تاریخ نگاران به متغیر اقتصادی و دستیابی به منابع اقتصادی ایران اشاره نموده اند و برخی دیگر نیز به رقابتهای سیاسی و تلاش هر دو قدرت استعماری در جهت توسعه نفوذ سیاسی و امنیتی خود در ایران تاکید دارند. فارغ از این دو تحلیل، متغیر ساختار نظام بین الملل و معادلات سیاسی، امنیتی و نظامی حاکم بر آن در اوایل قرن بیستم نیز، می تواند یکی از متغیرهای مهم و تاثیرگذار در انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ باشد. نگارنده ضمن پذیرش موقعیت ژئوپلیتیکی خاص و منحصر به فرد ایران، تنگنای امنیتی حاکم بر روابط بازیگران در محیط منطقه ای و بین المللی و تعمیق رقابت امنیتی بی رحمانه بین کنشگران اروپایی را، یکی از عوامل اصلی موثر در انعقاد قرارداد مذکور میدانند. به عبارت دیگر، ملاحظات سیاسی و امنیتی حاصل از منافع بزرگان در محیط ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران در آن برهه زمانی، سبب تغییر نقش و وزن کشور ایران در محاسبات امنیتی دو قدرت روسیه و انگلیس شد و جایگاه ایران از یک کشور سنتی و عقب مانده - بعد ذاتی - به یک کشور مهم و تاثیرگذار - بعد عرضی - در منطقه ارتقاء یافته تا با تکمیل پازلهای «نقشه اصلی» انگلستان و روسیه؛ قربانی بازیهای سیاسی و امنیتی بزرگان شود.

### تنگنای امنیتی در قالب صلح مسلح اروپایی

پدیده استعمار از زمان پیدایش خود همواره آثار و پیامدهای مختلفی بر معادلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی دولتهای مختلف - از ابرقدرتها گرفته تا دولتهای ذره ای - داشته است و تشدید و تعمیق مخاصمات و منازعات کم شدت و پرشدت بر سر توسعه و گسترش مستعمرات را به یکی از شاخص های بارز نظام بین الملل تبدیل کرده است. ۲ اگر بخواهیم از نظریات جریان اصلی روابط بین الملل به ویژه نظریه رئالیسم جهت تجزیه و تحلیل مناسبات قدرت در اروپا در جریان قرن نوزدهم بهره بجوئیم؛ بدون شک گزاره «تنگنای امنیتی» ۳ یا «دوراهی امنیتی» می تواند ما را به نتایج قابل قبولی رهنمون سازد. ۴ تنگنای امنیتی، وضعیتی است که تلاشهای هر دولت برای افزایش امنیت خود به شکل تناقض آمیزی موجب کاهش امنیت دولت دیگر خواهد شد. در این

وضعیت ممکن است یک بازیگر قصد تهدید طرف مقابل را نیز نداشته باشند؛ اما طرف مقابل خود را در کلافی از خصومت فزاینده گرفتار می‌کند. در این وضعیت ترس از تحمل هزینه‌های سنگین «ضربه اول» و آگاهی از مزیت‌های وارد کردن «ضربه اول»، کشورها را آماده هرگونه اقدام سیاسی، امنیتی و حتی نظامی می‌کند. تحلیل تاریخ اروپا در طول قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، ما را به وضعیت تنگنای امنیتی سوق می‌دهد؛ وضعیتی که از آن به عصر «صلح مسلح» یاد می‌شود و دیپلماسی پنهان، مسابقه تسلیحاتی و تضاد شدید منافع استعماری از ویژگی‌های بارز آن محسوب می‌شود. ۵.

### آلمان؛ بازیگر توسعه طلب و ماجراجوی اروپا

یکی از عواملی که به وضعیت تنگنای امنیتی در اروپا دامن می‌زد، ظهور بازیگری قدرتمند و ماجراجو به نام آلمان بود. صدراعظم آهین آلمان، بیسمارک با طرح ایده «نظام اتحادها و ائتلافها» ۶ ضمن برهم زدن موازنه قوای حاصل از «کنسرت اروپا» ۷، سهم مستعمراتی خود را از قدرتهای پیشکسوت استعماری نظیر انگلستان و روسیه مطالبه نمود. این خواسته استعماری و سیاسی آلمان به همراه تدارک ارتش مجهز و تقویت ناوگان دریایی اش، واکنش مثبتی در بین مقامات انگلیس و روسیه ایجاد نکرد. ۸. در این میان، بزرگترین مستعمره آن زمان، یعنی هندوستان - به عنوان قلب تپنده امپراطوری بریتانیا - بیش از سایر مستعمرات مورد طمع رقباء و دشمنان قرار گرفت. به ویژه اینکه آلمان بعد از کنار گذاشتن بیسمارک توسط امپراطور «ویلهلم دوم» از سال ۱۸۹۰ میلادی به بعد خویشتنداری خود را از دست داد ۹ و برنامه‌های توسعه طلبانه‌ای را در آفریقا، ایران، عثمانی و حتی افغانستان را در دستور کار خود قرار داد و با پیگیری پروژه راه آهن برلین-بغداد به دنیا نشان داد که آلمان به دنبال جایی در زیر آفتاب است. ۱۰. در واقع پوست اندازی در لایه‌های قدرت سیاسی آلمان، سبب اتخاذ سیاست تهاجمی تری توسط این کشور گردید و رقبای آلمان را در کلافی از خصومت فزاینده گرفتار نمود. ۱۱ برآیند این تحولات، سبب همکاری و همگرایی تاکتیکی بین سه رقیب دیرینه یعنی انگلستان، روسیه و فرانسه شد و زمینه‌های لازم جهت ایجاد اتفاق مثلث و جبهه مشترک علیه آلمان فراهم شد. ۱۲. در این بین همکاری انگلستان و روسیه به دلایل مختلف، دارای ابعاد حیاتی و استراتژیک تری شد.

### انگلستان؛ از انزوای باشکوه تا سیاست سد نفوذ آلمان

در طول قرن نوزدهم و تا اوایل قرن بیستم، سیاست «انزوای باشکوه» ۱۳ لرد «سالزبوری»، استراتژی اصلی انگلیس در اروپا را تشکیل می‌داد؛ اما در اوایل قرن بیستم با ظهور آلمان و مشاهده سیاستهای تهاجمی این کشور، انگلستان درصدد پیدا نمودن جایگاهی در نظام اتحادها برآمد؛ ولی تکبر آلمانها در عدم پذیرش انگلستان و تبریک پادشاه آلمان به «بوئرها» ۱۴ به عنوان فاتحان جنگ با انگلیسیها، تیر خلاص را به اتحاد آلمان و انگلیس وارد نمود و مقامات انگلیسی را به این نتیجه رساند که با رفتن بیسمارک، عقلانیت نیز از هیئت حاکمه آلمان رخت بر بسته است. ۱۵ انگلستان در یک اقدام ابتکاری و با اتحاد با ژاپن، ساختارها و تابوهای کنسرت اروپا را درنوردید و بدین وسیله فضای رقابتی را از محیط اروپایی به محیط ژئوپلتیکی آسیا انتقال داد. ۱۶. علاوه بر این سیاستهای تهاجمی آلمان در عین نزدیکی انگلستان و فرانسه، زمینه‌های همگرایی تاکتیکی با روسیه در آسیا را نیز به دنبال داشت. ۱۷.

روسیه؛ بازیگر بداقبال اروپا

تاریخ نشان داده است که روسیه در تحولات اروپا جایگاه خاصی نداشته است و به تعبیر بیسمارک «روسیه باید رسالت خود را در آسیا دنبال نماید؛ چون پوچ گرایي نقطه نهایی سیاستهای روسیه در اروپا است.» ۱۸ به خاطر ناکامی های مختلف روسها در اروپا، سیاست توسعه طلبی ارضی در آسیا، در دستور کار اصلی تزارهای روس قرار گرفت. روسها آنچنان با شدت و حدتی پیشروی ارضی در آسیا را دنبال نمودند، که به اعتقاد لرد کرزن «اگر زمین از چرخش به دور خورشید باز ایستد، روسیه نیز پیشروی خود در مناطق شمال قاره آسیا را متوقف خواهد نمود» ۱۹ البته روسها در عین حال سعی داشتند تا با تهدید هندوستان و سیاست مشغول سازی انگلیس در آسیا، معادلات میدانی اروپا را به نفع خود تغییر دهند. در این میان شکست روسیه از ژاپن در سال ۱۹۰۵ اهمیت اروپا در سیاست خارجی روسها را دوچندان نمود؛ ۲۰ اما تزارها همچنان تلاش داشتند بین سیاست آتلانتیک گرایي و اوراسیاگرایي، بالانس و تعادلی ایجاد نماید و مسایل خود با انگلستان را، در محیط ایران و افغانستان حل و فصل نماید و با پیشروی در مناطق شمالی ایران و تحقق وصیتنامه پتر کبیر مبنی بر ضرورت دسترسی به آبهای گرم و آزاد، زنگ خطر تهدید هندوستان را به صدا درآروند. از طرف دیگر روسها بعد از شکست در مقابل ژاپن، از لحاظ روحی، روانی و اقتصادی در وضعیت فروپاشی قرار داشتند و روی کمکهای سیاسی و مالی انگلستان حساب باز کرده بودند. انگلستان نیز جهت محدود سازی آلمان، چاره ای جز، نزدیکی به روسیه نداشت. ۲۱

انگلستان و روسیه؛ همکاری استراتژیک یا تاکتیکی؟

رفتارهای خصمانه آلمان، مقامات انگلیسی را به این نتیجه رساند که سیاستگذاران نظامی و امنیتی آلمان در خصوص منافع انگلیس در اروپا و سایر نقاط جهان، بدترین سناریوی ممکن را طراحی نموده اند و سلطه تفکر تهاجمی در هیئت حاکمه آلمان، دیوارهای بی اعتمادی بین طرفین را بالا برده است و لذا آلمان نمی تواند شریک قابل اطمینانی برای انگلیس باشد. از اینرو انگلیس تحت هیچ شرایطی نمی توانست روسیه را فدای آلمان نماید؛ چون در ذهنیت مقامات انگلیس، در نهایت آلمان دست از سیاست دست اندازی به مستعمره های انگلستان برنخواهد داشت. روسیه نیز به دلایلی که در سطور بالا به آن اشاره شد؛ تمایل زیادی به اتحاد با انگلیس داشت. سرانجام در ۳۱ اوت ۱۹۰۷ مقارن با ۸ شهریور ۱۲۸۶ شمسی، در سن پترزبورگ روسیه، قرارداد ۱۹۰۷ بین دول انگلیس و روسیه منعقد شد. بر طبق مفاد این معاهده، ایران به سه بخش تقسیم شد؛ شمال ایران منطقه تحت نفوذ روسها، منطقه مرکز بی طرف و در اختیار دولت مرکزی ضعیف ایران، و منطقه جنوب ایران و افغانستان به عنوان حوزه نفوذ سنتی انگلیس و کمربند امنیتی هندوستان. ۲۲

جمع بندی

فارغ از تحلیلهای مرسوم در خصوص عوامل دخیل در انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ میلادی، بدون تردید قرارداد تقسیم ایران بین روس و انگلیس، بازتابی از فضای رقابتی و امنیتی در محیط ژئوپلیتیکی اروپا بوده است. در واقع سیاست سد نفوذ و مهار آلمان توسط انگلیسیها، سبب همگرایی تاکتیکی بین دو کشور روس و انگلیس گردید. در نتیجه این قرارداد، باردیگر تاریخ تکرار شد و ایران وجه المصلحه قدرتهای بزرگ گردید و در گردابی از ابهامات و پیچیدگیهای بازی بزرگان گرفتار شد. آلمان نیز در سیاستهای ضدانگلیسی خود احتیاط بیشتری نمود و لذا فضای تنفسی مناسبی برای انگلیس در اروپا حاصل شد؛ و مهم تر از همه اینکه کما فی السابق مردم و ملت ایران متضرر و قربانی همیشگی بازی قدرتهای بزرگ بودند و با تحکیم دوستی انگلیس و روسیه، انگلستان

سیاست خود در حمایت از مشروطیت را تعدیل نموده و روسها و مخالفین مشروطیت در سرکوب آزادیخواهان با آزادی عمل بیشتری مواجه شدند.

پی نوشتها:

#### ۱- Master Plan

۲. جواد هروی، قرارداد ۱۹۰۷ و تقسیم ایران میان روس و انگلیس، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹، شماره ۱۵۱ و ۱۵۲، ص ۷۰

#### ۳-Security Dilemma

۴. برای کسب اطلاعات بیشتر ر.ک: حمیرا مشیرزاده، تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۸  
۵. جواد هروی، پیشین، ص ۷۱

#### ۶-Alliances System

۷. این پیمان بین کشورهای روسیه، اتریش، پروس و بریتانیا در جریان کنگره وین (۱۸۱۴-۱۸۱۵) جهت تحکیم موازنه قوای موجود در اروپا منعقد شد.

۸. احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳، ص ۴۵۸

۹. هنری ویلسون لیتل فیلد، تاریخ اروپا از سال ۱۸۱۵ به بعد، ترجمه فریده قره‌چه‌داغی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۲

۱۰. فرهاد پوریانژاد، مصالح بین المللی قرارداد ۱۹۰۷، فصلنامه علمی و پژوهشی تاریخ، سال چهارم، شماره ۱۲، بهار ۱۳۸۸، ص ۲۷

۱۱. جورج لنچافسکی، رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه اسماعیل رائین، تهران، جاویدان، ۱۳۵۳، ص ۱۷۱

۱۲. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۳۱۹

#### ۱۳-Glorious Isolation

۱۴. جنگ سفید پوستان افریقای جنوبی با استعمار انگلیس به جنگ بوئرها (۱۸۸۹-۱۹۰۲) معروف می باشد.

۱۵. هربرت فیشر، تاریخ اروپا از انقلاب فرانسه تا زمان ما؛ کتاب سوم: تلاش برای آزادی، ترجمه وحید مازندران، تهران: کتابفروشی دهخدا، ۱۳۴۶، ص ۳۹۱

۱۶. هنری ویلسون لیتل فیلد، پیشین، ص ۱۲۴

۱۷. احمد نقیب زاده، تحولات روابط بین الملل از کنگره وین تا امروز، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۴، ص ۱۱۳

۱۸. فرهاد پوریانژاد، پیشین، ص ۳۳

۱۹. همان، ص ۳۳

۲۰. احمد نقیب زاده، پیشین، ص ۱۹۰

۲۱. جواد هروی، پیشین، ص ۷۲

۲۲. غلامعلی وحید مازندرانی، قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس راجع به ایران، تهران، کتابخانه سقراط، ۱۳۲۸، صص ۲۱-۲۲

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۴۸۳۱۵/قرارداد-انعقاد-اروپایی-بزرگ-قدرت‌های-رقابت/>